

در مدرسه عاشورا



روز اربعین همه در منازل، دو سه زیارت مهم که وارد است را بفرمانند و نزد امام مسین(ع) شگوه کنند که ما دلمان می‌فواست بیاییم ولی نشند، تا ایشان نظری بکنند.
 گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

شماره ۷
 مهر ۱۳۹۹ - صفر ۱۴۴۲

ویژه نامه برنامه "اربعین مسینی(ع)"
 ZAER.HAJR.IR



محبت الاسلام والمسلمین نواب
 نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت
 و سرپرست مجامع ایرانی

نصیحت و خیرخواهی شاکله حرکت اصلی امام حسین (ع) است

نهی گرامی اسلامی می‌فرمایند: «لَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ» با منزلت ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بر دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «جب للمؤمن علی المؤمن النصیحة له فی المشهد والمغیب» بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب مؤمن خیرخواه او باشد.

اسلام دین نصیحت است، امام حسین (ع) طبق دستورات دینی حتی در رابطه با مجرم خیرخواهی و نصیحت می‌کند. پیامبر فقط به مومنان نصیحت نمی‌کردند. به دنبال خیرخواهی همگان بود. در نامه ای به نجاشی نوشتند: «فقد بلغت و نصحت، فاقبلو نصحی». ابلاغ و نصیحت کردم پس نصیحت مرا بپذیر.

حضرت علی (ع) نیز در قائله فتنه جمل، زبیر و طلحه و عایشه را هم نصیحت کردند و گفتند من دنبال مردم نرفتم مردم به دنبال من آمدند، آن‌ها به زور از من بیعت گرفتند تا امیر آن‌ها باشم، شما اولین افرادی بودید که بیعت کردید. امام حسین (ع) هم امر نصیحت و خیرخواهی را در پیش گرفتند، در زیارت امام زمان هم می‌خوانیم السلام علیک یا ولی ناصح.

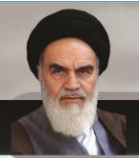
امام زمان هم خیرخواه امت است، تحص در زندگی دیگران هم بوده است، ناصح باید برای رضای خدا نصیحت کند و گرنه داعی مهربان تر از مادر فراوان هستند که انسان را نصیحت می‌کنند. امروز استکبار جهانی به ایران می‌گویند، ما خیرخواه شما هستیم. ولی دروغ می‌گویند، هرگز این گونه نیست، شیطان هم این گونه بود. اینها چهره‌های خودشان را حق به جانب و دلسوز نشان می‌دهند و انسان را به چاه می‌اندازند، به همین دلیل رهبر معظم انقلاب بر بصیرت مردم و مسئولان تأکید زیاد دارند تا دچار گمراهی نشوند. اما یکی از نکاتی که در نصیحت باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که فرد باید نصیحت پذیر باشد، وگرنه نصیحت فایده ای ندارد. این را بدانیم که امام حسین (ع) نیز به دنبال خیرخواهی بودند، به همین منظور در این ایام به خیرخواهی در تاریخ یاد می‌کنیم. در تاریخ نقل شده که نصیحت و خیرخواهی شاکله حرکت اصلی امام حسین (ع) است، خیرخواهی ایشان همچون پدرش علی (ع) بسیار زیاد بود. حتی در معرکه جنگ عمر را نصیحت کردند. دین و امام حسین (ع) همه آن‌ها برای خیرخواهی هستند، اگر به آن توجه کنیم موفق می‌شویم.

حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست مجامع ایرانی در هشتمین ویژه برنامه "در مدرسه عاشورا" که روز چهارشنبه ۱۶ مهرماه به مناسبت اربعین حسینی (ع) بصورت مجازی از طریق سامانه‌های بیعت مقام معظم رهبری برگزار شد، گفتند: در اربعین عاشورای حسینی قرار داریم، اربعینی که دل همه علاقه‌مندان به سوی سرزمین کربلا پر می‌کشد و همه آرزو می‌کنند در آن سرزمین باشند، سال گذشته سه میلیون ۵۰۰ هزار زائر ایرانی در این مراسم حضور داشتند و امسال همه همان عاشقان در حسرت سفر زیارتی حضرت سیدالشهدا در خانه نشستند و تنها صحنه‌های حضور زائران در کربلا را مشاهده کردند.

اساس حرکت امام حسین (ع) خیرخواهی بود، کما اینکه اساس حرکت همه انبیا خیرخواهی برای بشریت است، اگر بشر می‌دانست چقدر انبیا خیرخواه آن هستند، یا انبیا به شیکل و شیوه دیگری برخورد می‌کرد، حضرت هود می‌گوید، «أبلغکم رسالات ربی و أنا لکم ناصح أمين» پیغامهای پروردگار خویش را به شما می‌رسانم و من برای شما خیرخواهی امانت دار هستم، یعنی من جز شان رسالت و پیامبری کار دیگری ندارم و تنها رساننده پیغامهای پروردگارم هستم و از آنچه شما درباره من می‌پندارید مبرا بوده و هرگز در دعوت به شما حيله گر و خائن نیستم و قصد خیرخواهی شما را دارم و نیز چیزی از پیغامهای پروردگار را کم و زیاد نمی‌کنم و جز گرایش شما به دین حق و توحید هدف دیگری ندارم و در رد سخن آنان که وی را دروغگو نامیدند، خود را به وصف (امین) توصیف فرمود.

یا در خصوص رسول الله می‌خوانیم، «لقد جاءکم رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم» قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج یفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است... این پیامبر در خیرخواهی مردم رؤوف و رحیم است و تمام کمال پیامبر انجام وظیفه کردند.

ناصران در قرآن هم هستند که مومن آل فرعون از جمله آن‌ها است. نصیحت حق الناس است، حقی است که همه از دیگران طلب دارند.



آیت الله محسن قمی، معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری:

مسئله زمان شناسی برای فلسفه و قیام امام حسین علیه السلام بسیار با اهمیت است

که در تاریخ گوشه ناچیزی از آن نقل شده است، به تعبیر امام صادق (ع) ما به شیعیان درخصوص نیم روز عاشورا و اینکه در بین الحرمین چه حوادثی اتفاق افتاد، نگفته و نخواهیم گفت، چون شیعیان تحمل شنیدن آن را ندارند. شهادت این بزرگواران، العطش کودکان، اسارت خواندان پیغمبر که از یک طرف نمونه ددمنشانه و رذائانه دشمنان بود و از طرف دیگر نمایشگاه ایثار و فضائل اخلاقی اهل بیت از جمله این مسائل بود.

البته در تاریخ اعمال رذیلانه تر از اعمال سپاه یزید در کربلا پیدا می شود، اما در تاریخ شرافتمندان تر، شجاعانه تر و ایثارگرانه تر از آنچه در عاشورا اتفاق افتاد، دیگر تکرار نخواهد شد.

فراز سوم زندگی سیدالشهدا (ع)، از عصر عاشورا تاکنون است. همواره قیام اباعبدالله (ع) هم افشاکننده ظالم و تحریک کننده مظلومان بوده است، هر جا انقلابی و حادثه ای علیه ظلم برپا شود، شعارشان یا ثلثت الحسین است. این در مسئله اربعین تاکید شده و حضرت صادق به صفان بن جماد زیارت اربعین را دستور می دهند،

برای این است که در دهه روز اول محرم شور و حماسه اشک وجود دارد و این اشک ها و شور ارزشمند است و به تعبیری اشک برای اباعبدالله ثواب آن از نماز شب بیشتر است، اما پس از گذشت ۴۰ روز از شهادت اباعبدالله فرصتی برای اندیشه و تامل و فلسفه قیام اباعبدالله فراهم می شود که درس و پیامی زیادی برای ما به همراه دارد.

رهبرمعظم انقلاب اسلامی در همین زمینه می فرمایند، ۱۰۰ درس را می توانیم از حادثه عاشورا بگیریم، یکی از درس های که برای آن تاکید می کنیم، مسئله زمان شناسی برای فلسفه و قیام اباعبدالله است، زیرا زمانی که حضرت قیام کرد، «عبدالله بن شبر» به عنوان یک فرد شجاع، خانه نشین و گوشه نشین بود، عبدالله بن عباس از دیگر مفسر قرآن او هم دچار انزوا شده بود، شوهر حضرت زینب نیز نقشی در جوامع ایفا نمی کرد و معتقد بود که نمی توان نقشی ایفا کرد. امام حسین (ع) وقتی می خواست برای کربلا حرکت کند، یک امامزاده و فرزند امامی همچون محمد بن حنفیه و مفسری همچون عبدالله بن عباس حضرت را منع می کردند که به جای کوفه به یمن برود. ولی امام زمان شناس بود، امامی که ۱۰ سال در زمان خلافت امام مجتبی چیز نفروموند و ۱۰ سال دست به قیام نزد، و الان زمان را برای انجام این قیام و این حرکت اجتماعی و اصلاحی خود لازم می دانست که انجام دهد و این حرکت تاریخ ساز را انجام داد.

بنابراین مسئله زمان شناسی بسیار اهمیت دارد، زیرا افراد زیادی در زمان حسین (ع) حضور داشتند که قلب شان با آن حضرت بود، ولی چون زمان شناس نبودند، بعدها افسوس خوردند که چرا امام را همراهی نکردند. از جمله در قیام توابعین این موضوع را مشاهده می کنیم که پس از مدتی پس از قیام امام حسین (ع) به حرکت در آمدند، و ای کاش زمان اباعبدالله این قیام را انجام می دادند، همچنین در قیام مختار هم افراد برای همراهی و خونخواهی امام حسین (ع) به میدان آمدند، ولی مشکل شان این بود که زمان شناس نبودند، آن تاثیر که در تاریخ از خود به جای می گذاشتند نتوانستند ایفا کنند، البته اجر خودشان را بردند.

ما هم در این عصر براین باور هستیم، عصری است که باید زمان را خوب بشناسیم و بدانیم که افکار عمومی تشنه آشنا شدن با معارف اهل بیت و فلسفه اباعبدالله (ع) است، امروز بیش از ۱۰ کشور از جمله در یمن، بحرین، عراق، لبنان، هند و ... در روز عاشورا تعطیل رسمی هستند و اینک زمان معرفی قیام اباعبدالله برای جهان معاصر است، زیرا اربعین فرصت بسیار مناسبی است تا بتوانیم از این فرصت برای این نگاه بیشتر استفاده کنیم.

همانگونه که شهید سلیمانی درک درستی از زمان داشتند و با درک درست خود راهپیمایی اربعین را به پا کردند، و آمریکایی ها این موضوع را فهمیده بودند. بنابراین امروز زمان تبیین معارف حسینی است و زمانی است که باید با اتحاد خود معارف را برای افکار تشنه دنیا بیان کنیم.

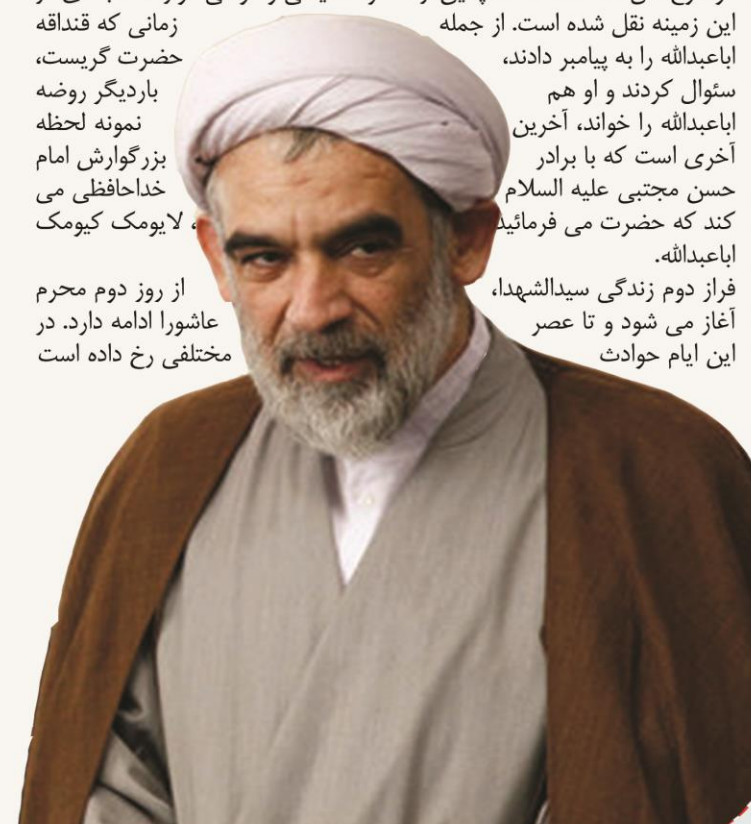
آیت الله محسن قمی، معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری در هشتمین برنامه «در مدرسه عاشورا» که به مناسبت اربعین حسینی (ع) برگزار شد گفت: در این جلسه در خصوص حماسه عاشورا و فلسفه قیام اباعبدالله الحسین (ع) سخن می گوئیم که می توان، عمر شریف و معنوی امام حسین (ع) را در تاریخ به سه بخش تقسیم کرد، یکی بخش آن از ابتدای آفرینش هستی تا روز دوم محرم، فراز دوم از دوم محرم تا روز عاشورا و فراز سوم از عصر عاشورا تا ظهور حضرت حجت (عج) است.

در فراز اول نمونه فراوانی در تاریخ داریم که حضرت آدم وقتی می خواستند توبه شان قبول شود، جبرئیل به او آموزش داد که او را به پنج تن آل عبا و جمله «یا قدیم الاحسان به حق الحسین» قسم بدهد. چون این سخن را بر زبان جاری کرد، اشک بر دیدگان او جاری شد و از جبرئیل سؤال کرد و جبرئیل روضه امام حسین (ع) را خواند. همچنین در خصوص نجات یافتن کشتی نوح هم مشابه این موضوع نقل شده است، همچنین از حضرت عیسی و موسی موارد مشابه ای در این زمینه نقل شده است. از جمله

اباعبدالله را به پیامبر دادند، سؤال کردند و او هم اباعبدالله را خواند، آخرین آخری است که با برادر حسن مجتبی علیه السلام کند که حضرت می فرمائید اباعبدالله.

فراز دوم زندگی سیدالشهدا، آغاز می شود و تا عصر این ایام حوادث

از روز دوم محرم عاشورا ادامه دارد. در مختلفی رخ داده است





حجت الاسلام و المسلمین حمید احمدی، رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین

مهم ترین و بزرگ ترین دلیل به عنوان بزرگداشت اربعین حسینی، دفن سر مبارک حضرت سیدالشهداء در این روز است



حجت الاسلام و المسلمین حمید احمدی، رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین در هشتمین برنامه "در مدرسه عاشورا" که از سوی بعثه مقام معظم رهبری به مناسبت فرارسیدن اربعین حسین (ع) بصورت مجازی برگزار شد گفت: اربعین در سنت های اسلامی، از جمله آیین ها و مراسمی است که در فرهنگ شیعی سابقه و پیشینه زیادی دارد، و در این چند سال شکل و فرم جدیدی به خود گرفته است و جمعیت زیادی از زائران در این ایام در بین مسیر نجف و کربلا پای پیاده به زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) می روند، البته برای مردم عراق این مسئله تازگی ندارد اما برای ما ایرانیان جدید است. اما پاسداشت اربعین در تاریخ ایران هم وجود داشته و این ایام به عنوان یک مناسک بزرگ داشته می شده است. یکی از سئوالاتی که همیشه در اربعین حسینی وجود دارد این است که چرا برای امام حسین (ع) مراسم اربعین برگزار می شود؛ ولی برای دیگر امامان معصوم اربعین برگزار نمی کنند؟ علت بزرگداشت اربعین حسینی چیست؟ آیا علت بزرگداشت این روز فقط به خاطر زیارت جابرین عبدالله انصاری در روز ۲۰ صفر است؟ آیا بزرگداشت به جهت این است که زیارت خاصی برای این روز وجود دارد؟ یا به خاطر حضور اهل بیت بر سرمار حضرت سیدالشهدا در ۲۰ صفر است؟ یا به خاطر دفن سر شریف حضرت سیدالشهدا در کربلا از سوی امام سجاد است؟ یا به خاطر حدیثی و روایتی از امام عسکری است که اربعین را از نشانه های شیعه و مومنان بیان کرده اند؟ یا همه این دلایل است.

آنچه در متون روایی به دست می آید، دلایل بزرگداشت اربعین به دلیل همه این مسائل و بلکه مهم ترین مسئله آن روز دفن سر شریف و مبارک حضرت سیدالشهدا توسط امام سجاد (ع) است. مشهور بین روایان و مورخان است که امام سجاد پس از آنکه به دستور یزید از شام و دمشق روانه مدینه منوره شدند و سر شریف و امام حسین و شهدا در اختیارشان قرار گرفت، وقتی از شام خارج شدند، درخواست کردند که به کربلا برگردند. البته یزید به دلیل رسوایی که برای او ایجاد شده بود و فشار افکار عمومی ناگزیر شد، برای اینکه مسئله جدیدی ایجاد نشود، اهل بیت را با احترام و اکرام به مدینه برگرداند و همه خواسته های آن را برآورده کردند. بر همین اساس بود که امام سجاد (ع) از کسانی که مسئول انتقال این کاروان بود، به درخواست امام روانه کربلا شدند و در آنجا سر مبارک حضرت را دفن و به بدن شریف ملحق کردند. در نقل های دیگر داریم که سر سایر شهدا را در همان روز دفن کردند، اکثر منابع روایی و تاریخی به این قضیه تصریح می کنند که سر شریف حضرت سیدالشهدا توسط امام سجاد به کربلا آورده و به بدن مطهر ملحق و دفن شد.

در بسیاری از روایات این گزارش وجود دارد که سر حضرت سیدالشهدا در روز ۲۰ صفر در کربلا به همین روز اتفاق افتاده است که اهل بیت را به اسارت برده بودند. خاطره غم انگیزی است که روز دفن سر مبارک حضرت سیدالشهدا و دیگر شهدای کربلا در همین روز اتفاق افتاده است که اهل بیت را به اسارت برده بودند. مهم ترین دلیلی که برای حضور اهل بیت در روز اربعین در کربلا داریم، همین روایات و گزارش های تاریخی است که این موضوع را ثابت می کند. چون همه متفق هستند که حضرت سجاد (ع) در سال های دیگر به کربلا نرفتند. و در الحاق و دفن سر مبارک حضرت به بدن مطهر توسط امام سجاد (ع) همه اتفاق نظر دارند. البته زمانی که می خواستند سر مبارک را به کربلا ببرند، جابرین عبدالله انصاری را می بینند که به عنوان اولین زائر در این روز وارد کربلا می شود.





مجت الاسلام و المسلمین مهدی رستم نژاد:

بر خورد امام در مقابل دشمنان، بر خورد ناصحانه بود

حجت الاسلام و المسلمین مهدی رستم نژاد، معاون آموزش حوزه‌های علمیه در هفتمین برنامه «در مدرسه عاشورا» گفت: در جلسات قبل به شیوه‌های رفتاری اباعبدالله الحسین (ع) در مواجهه با گروه‌ها و اصناف گوناگون پرداخته شد. در این جلسه به ارتباط و الگو و شیوه‌های رفتاری آن حضرت در مواجهه با دشمنان و معاندان می‌پردازیم.

همانگونه که می‌دانید، دشمنان امام دشمنان حتاک و فحاش بودند، البته همه یک جور نبودند، کسانی بودند که کینه امیرمؤمنان (ع) را در دل داشتند، منافق بودند و منتظر فرصت بودند تا در مقابل اهل‌بیت شمشیر بکشند.

در روز عاشورا، میدان، میدان عجیبی بود، تصفیه حساب‌های شخصی در این روز اتفاق افتاد و کینه‌ورزی که دشمنان در آن روز از خود نشان دادند با تاختن اسب‌ها، آن را تقویت کرد، همه این موضوعات حکایت عظیم و حوادث معناداری از کربلا دارد، حکایت از آن دل‌های پرکینه است، نشان می‌دهد که امام حسین (ع) در مقابل چه انسان‌های قرار گرفته که می‌خواهند مقابل امامت بایستند.

در مقابل آن همه شرارت‌ها و بدخواهی‌ها، برخورد‌های امام معصوم بسیار محکم، قرآنی و وحیانی است، اولین اصول امام این بود که در مقابل دشمنان برخورد‌های ناصحانه داشت، در هیچ جنگی نداریم که پیامبر یا امیرمؤمنان (ع) سخنرانی کرده باشند. البته در خصوص امیرمؤمنان قبل از جنگ سخنرانی داشتند - اما در عاشورا جنگ رسمیت داشت، امام ایستاده سخنرانی کردند، برای اینکه جنگ یک جنگ معمولی نبود، امام با بیان منطقی خود می‌خواست از دشمنان بخواهد که دست از این اشتباه بردارند، به همین دلیل سخنرانی‌ها متعدد را انجام می‌دهد. حتی عمر سعد را هم در جلسه‌ای دعوت و با آن صحبت می‌کند، که برخی این جلسه را به عنوان مذاکره و بدو بستان تعبیر می‌دانند که تعبیر ناپه جایی است، اما در این جلسه او را به مسیر حق دعوت کرد، تا از مسیر اشتباه خودش برگردد، و اینکه فریادی برای تو نخواهد بود. وعده‌های که به شما دادند عمل نخواهند کرد، امام آن را هدایت می‌کند.

امام در مقابل این دشمنان قدر، جنگ تدافعی را انجام داد، دنبال انتقال نبود، اگر کسی فرار می‌کرد، جنگ را با او ادامه نمی‌داد، برای همین اکثر جنگ در مقابل خیمه‌گاه اتفاق افتاد. آن‌ها نفرین و فحاشی می‌کردند، اما اصل خودش را داشت و ذکر می‌گفت. رجز می‌خواند و در رجز، خودش و رسول الله و امیرمؤمنان را معرفی می‌کرد، در صد خونریزی نبود. مسئله دیگر در کربلا، صبر امام حسین (ع) است، ایشان برخوردی بسیار صبورانه و باحلم داشت و با همین شیوه وارد جنگ شد، حتی در جنگ کسی را نفرین نکرد، این در حالی است که انسان مستجاب‌الدعا هستند ولی با این حال، نفرین نمی‌کرد، تنها در چند مورد که فردی اصل امامت را زیر سؤال برده بود، در همانجا آن فرد را نفرین کرد و نفرین هم او را گرفت، چون امام اهل حلم و صبر است به همین دلیل در روز عاشورا و آخرین لحظات به صبر دعوت کرد.

این صبر می‌تواند مرحوم همه زندگی‌ها باشد، اگر شکیبایی در زندگی زوجین باشد، این همه پرونده قضایی را در قوه قضائیه شاهد نخواهیم بود، بسیار از این پرونده‌ها به دلیل عدم شکیبایی است. درس‌های پرمعنا اباعبدالله الحسین به ما می‌آموزد که چه رفتاری در مقابل دشمنان داشته باشیم و از این رفتار الگو بگیریم.



مجت الاسلام و المسلمین دیرباز:

غیرت دینی و خانوادگی حسینی

حجت الاسلام و المسلمین عسکر دیرباز نماینده مردم آذربایجان غربی در مجلس خبرگان رهبری، در هفتمین برنامه در مدرسه عاشورا گفت: در این جلسه به سبک زندگی حسینی می‌پردازیم که در این سبک صبر و مقاومت در برابر مشکلات بسیار توصیه شده است، البته امام حسین (ع) در کنار تلاش مضاعفی که داشتند برای بهبود اوضاع، اما تسلیم رضای الهی بود، زیرا کسی که به دنبال سبک زندگی حسینی است، باید برای بهبود شخصیت و خانواده، خود و جامعه تلاش کند، ولی اگر تمام تلاش را به کار برد، اوضاع متناسب با تلاشش صورت نگیرد، باید تسلیم رضای الهی باشد. امام شریف نیز در آخرین لحظه شهادت در همین زمینه می‌فرمایند رضی بقضائک تسلیماً لأمرک لا معبود سواک. اگر در کنار تلاش فراوانی که انجام می‌دهیم، شاهد این بودیم که در کنار این همه تلاش خارج از اراده ما برخی مسائل رخ داد، بدون اینکه جرح و فرع کنیم، به اراده الهی تسلیم شویم، چون هر چه خداوند خواسته باشد، حتماً برای ما خیر است.

نکته دوم درباره سبک زندگی امام حسین علیه السلام درباره سبک عبادت آن حضرت است که به نماز اهتمام ویژه‌ای داشتند.

مجت الاسلام و المسلمین ناصر رفیعی:

مهم‌ترین نقش امام حسین (ع)، تحول آفرینی است



حجت الاسلام و المسلمین ناصر رفیعی در هفتمین برنامه در مدرسه عاشورا گفت: امام حسین علیه السلام لحظه‌ای که در روز عاشورا عازم میدان نبرد بودند، خطبه‌ای در این زمینه قرائت کردند، هنگام وداع با خانواده فرمود استعدوا للبلاء و اعلموا ان الله حافظکم و حامیکم» مهیا و آماده تحمل سختیها باشید و بدانید خداوند شما را حفظ و حمایت می‌کند. اگر انسان این موضوع را درک کرد که خداوند در سختی‌ها همواره حامی او است. این موضوع انسان را آرام می‌کند.

«و سینیجیکم من شر الاعداء و يجعل عاقبه امرکم الی خیر» شما را نجات خواهد داد و سرانجام کار شما را نیک خواهد کرد «و یعذب عادیکم بانواع البلاء، و یعوضکم الله عن هذه البلیة بانواع النعم و الکرامه» دشمنان شما را به اقسام عذابها گرفتار خواهد کرد و به شما به عوض این شدائد و بلاهای انواعی از نعمتها و کرامتها خواهد داد « فلا تشکوا و لا تقولوا بالستکم ما ينقص من قدرکم » مبدا شکایت کنید و مبدا جمله‌ای برزبان بیاورید که از قدر و قیمت شما بکاهد.

اگر بخواهد کسی برحسب ظاهر به حادثه کربلا ننگرد، حادثه‌ای جاسوز است، اما پایان آن را ببینید که چقدر افراد در اربعین عاشورا و در تاسوعا و عاشورا چقدر تغییر می‌کنند، چقدر در زیارت امام حسین (ع) متحول می‌شوند. امروز وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم، امام حسین (علیه السلام) با شهادت خود چه تحولی در جهان ایجاد کرد و چه برکاتی از ایشان باقی مانده است، تربیت اباعبدالله شفاست این یک نعمت است، ائمه در نسل آن است، امام حسین (ع)، امام تحول آفرینی است. تحولات زیادی در عالم ایجاد کرده است، تحولات سیاسی به نام قیام اباعبدالله شکل گرفته است، انقلاب اسلامی هم از نهضت امام حسین (ع) شکل گرفته است همه اینها به برکت خون سیدالشهدا (ع) به وجود آمده است.

مهم‌ترین نقش امام حسین (ع)، تحول آفرینی است. همانی که در دعا می‌گوئیم، اللهم غیرسوءه حالنی ... حول حالنا الی الاحسن الاحوال. تحول آفرینی مهم‌ترین پیام عاشورا است و مهم‌ترین هدف نهضت قیام اباعبدالله علیه السلام است.

وقتی به آیات قرآن کریم نگاه می‌کنیم، توصیه‌های فراوانی به صبر نسبت به دین و اخلاق از جمله این توصیه‌ها است، زیرا صبر نسبت آن همچون نسبت سر به بدن است. همچنان که رمز موفقیت را چند چیز بیان کرده اند، یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت صبر است. صبر در واقع شاه کلید اصلی موفقیت است. صبر در مصیبت، صبر در عبادت، صبر در معصیت، صبر در ناملایمات و سختی‌ها از مهم‌ترین پیام‌های نهضت عاشورا به شمار می‌آید.